

## واکاوی نقش استراتژی ایران در خلال جنگ‌های جهانی

محمود سلجوقی<sup>1</sup>

علی پرورش رامکی<sup>2</sup>

### چکیده

جنگ جهانی اول از ژوئیه 1914/ مرداد 1293ش، به بهانه ترور ولیعهد اتریش در سارایو مرکز بوسنی آغاز شد که منشاء آن رقابت دولتهای بزرگ بر سر مستعمره‌ها و رقابت بر سر مسایل نظامی بود. این جنگ هشت روز پس از تاجگذاری احمد شاه آخرین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه آغاز شد. جنگ جهانی دوم نیز در اول سپتامبر 1939/ دهم شهریور 1318ش، با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. در هر دو جنگ، ایران اعلام بی‌طرفی کرد، ولی دولت‌های درگیر جنگ جهانی از توانایی نظامی خود استفاده کرده و برای دستیابی به منافع خود در جهت بهره‌برداری از امکانات و همچنین موقعیت ژئوپولتیکی کشور ایران، بی‌طرفی آن را نقض کردند. بر این اساس، این پژوهش به دنبال بررسی نقش استراتژیکی ایران در دو جنگ جهانی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در این دو جنگ جهانی، ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی مورد حمله دول غرب قرار گرفت. این جنگها آثار و پیامدهای زیادی در ایران به بار آورد که در طی آن صرف نظر از هزینه‌ها، ویرانی‌ها و دشواری‌های دیگر از جمله قحطی و برآوردن نیاز متفقین که بردوش مردم ایران،

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی.

Mahmood.saljoghi@yahoo.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی. aliparvaresh68@gmail.com

تاریخ دریافت: 1394 / 7 / 13 تاریخ پذیرش: 1394 / 8 / 29

موجب اشغال خاک ایران شد. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای جمع آوری شده است.

**واژگان کلیدی:** جنگ جهانی، متحدین، متفقین، آثار و پیامد، موقعیت استراتژیک.

#### مقدمه

ریشه‌های جنگ جهانی اول به عصر انقلابات صنعتی و تحولات سیاسی، اقتصادی متأثر از آن باز می‌گردد. در این میان سال‌های 1871 تا 1914 م. که در تاریخ جهان به دوره صلح «مسلح» شهرت یافته است، دوران تکوین جنگ جهانی به شمار می‌آید. برجسته‌ترین جریانی که تاریخ اروپا را وارد این مرحله نمود ظهور قدرت‌های جدید و مخالف وضع موجود در عرصه روابط بین الملل بود که خواهان جایگاه مناسب در ساختار قدرت جهانی شدند. این قدرت‌ها به دلیل نیاز صنعتی، افزایش تولیدات، نیاز به مواد خام، رشد جمعیت، محدودیت‌های اراضی، احتیاج به بازار فروش و کارگر ارزان به دنبال مستعمره‌هایی برای خود برآمدند. اما سال‌ها قبل جهان میان چند کشور از جمله انگلیس و فرانسه تقسیم شده بود. امپریالیسم‌های نوظهور برای جبران فرصت‌های از دست رفته و سلطه بر غنی‌ترین مناطق جهان با اتکا بر پتانسیل صنعتی و نظامی‌شان در صدد متلاشی کردن مناسبات موجود برآمدند، و این معنایی جز جنگ نداشت. اما این جنگ جهانی نیز نتوانست نیازهای این کشورها را برآورده سازد و در پایان این جنگ کشورهای درگیر در آن از نتیجه‌ای که به دست آورده بودند، احساس نارضایتی می‌کردند، که این نارضایتی باعث به وجود آمدن جنگ جهانی دیگری شد که در بین سال‌های 1939 تا 1945 م. ادامه

پیدا کرد. با آغاز جنگ جهانی دوم در اول سپتامبر 1939م/ 9 شهریور 1318ش. دولت ایران همانند جنگ جهانی اول بی‌طرفی خود را رسماً اعلام کرد، اما طولی نکشید که با حمله آلمان به شوروی دامنه جنگ به مرزهای ایران نیز کشیده شد که در پی این رویداد ارتش ایران به سرعت متلاشی شد، رضا شاه استعفا داد، و پسرش محمد رضا با کمک فروغی و موافقت متفقین به سلطنت رسید. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی و اهمیت موقعیت راهبردی و سوق الجیشی ایران در این جنگ و همچنین بررسی اهداف سیاسی نظامی متفقین است. سوالات پژوهش عبارتند از: 1. علت اشغال ایران در دو جنگ چه بود؟ 2. اشغال ایران چه پیامدها و آثاری بر ایران داشت؟

### ایران و جنگ جهانی اول

در سال 1914 جنگ جهانی اول شروع شد هر چند کشته شدن ولیعهد اتریش و همسرش به دست یک میهن پرست صرب بهانه‌ی این آتش افروزی گردید، اما علت اصلی همان رقابتهای بین المللی چندین ساله‌ی دولتهای بزرگ اروپایی بود که از پیشرفتهای سیاسی، نظامی، آلمان و اتریش و نقشه‌هایی که دولتهای نام برده برای دست اندازی به مستعمره‌هایشان داشتند بیمناک شدند و بدین سان زمینه بروز جنگ را فراهم ساختند. (پالمر، 1357، 2، 336 - 326)

از همان روزهای نخست جنگ جهانی بسیاری از اروپاییان مقیم ایران، کشور را برای پیوستن به نیروهای ملی خود ترک گفتند و بخش چشمگیری از نیروهای روسی مستقر در این سرزمین برای سیل به جبهه‌های جنگ اروپا پادگان‌های خود را

رها کردند. یگانهای روسی بر جای مانده که از چند سال پیش برای جلوگیری از تجاوز عثمانی به ایران اعزام شده بودند، در خوی و ماکو استقرار داشتند از آن سوی شماری از عساکر عثمانی هم در غرب دریاچه ارومیه مستقر بودند که با تصرف مواضع سوق‌الجیشی سپاه روس را تهدید می‌کردند. (ماهرلی، 1369، 76)

اعلان جنگ ترکیه به روسیه خطر جنگ و عواقب آن را به مرزهای ایران کشاند، دولت مستوفی الممالک در غیاب مجلس شورای ملی و با صوابدید جمعی از رجال برجسته کشور تصمیم گرفت بی‌طرفی ایران را رسماً اعلام دارد تا به این وسیله کشور را از مهلکه جنگ دور کند دولت ترکیه در اوایل اکتبر 1914 نسبت به حضور نیروهای روسی در آذربایجان اعتراض کرده و آن را تهدیدی جدی برای مرزهای خود قلمداد نمود. وزارت امور خارجه ایران با ارسال یادداشت‌های رسمی برای سفارت خانه‌های روسیه و انگلیس در تهران از دولت روسیه خواستار شد تا با خارج ساختن نیروهای نظامی خود از خاک ایران شرایط لازم را برای اعلان بی‌طرفی ایران در جنگ را فراهم آورده و سبب نگردد تا این امر بهانه‌ای برای دولت عثمانی فراهم آورد ولی کوشش‌ها و اظهارهای دولت ایران به روسیه برای بیرون بردن سربازان روسی به نتیجه‌ای نرسید. در اوایل ماه اکتبر سال 1914 نیروهای ترکیه به عنوان بیرون راندن روس‌ها از شمال ایران به خاک کشور تجاوز کردند، نیروهای متجاوز ترکیه تحت فرماندهی افسران آلمانی قرار داشت، انگلیسی‌ها هم به نوبه خود به خاک ایران تجاوز نمودند و به این ترتیب هر سه کشور روسیه انگلیس ترکیه ضمن تجاوز به خاک ایران بی‌طرفی آن را نقض کردند. دولت و

مجلس شورای ملی که اعضای حزب دموکرات هواخواه آلمان در آن اکثریت داشت، به تجاوزات در کشور شدیداً اعتراض کردند. (ذوقی، 1372، 140)

آلمان در این هنگام در خاورمیانه دارای نیروی نظامی نبود افسران آلمانی در راس نیروی نظامی ترکیه قرار گرفته و برای مقابله با روسها و انگلیس ها وارد ایران شدند. در ماه نوامبر 1914م. نیروهای انگلیسی به بحرین اعزام شدند و بندر فائورا به اشغال خود درآوردند پس از تصرف فائو نیروهای اعزامی انگلیس مرکب از تعدادی سرباز هندی بندر بصره را تصرف کرده و شهر آبادان را زیر نظر گرفتند؛ هدف از این قشون حفظ تأسیسات نفتی آبادان و مراقبت و محافظت از حوضه‌های نفتی جنوب غربی ایران بود. علاوه بر این هدف، حکومت هندوستان در نظر داشت تا با این اقدام خط فاصلی بین شیوخ عرب مسلمان خلیج فارس با دولت عثمانی ایجاد کرده و از هرگونه اقدام احتمالی اعراب علیه منافع بریتانیا که ممکن بود به تحریک عثمانی صورت گیرد، جلوگیری به عمل آورد. (ذوقی، 1372، 14)

دولت آلمان ضمن اینکه طرح عملیات خرابکاری و تشویق و تحریک مردم ایران به شورش علیه انگلیسی‌ها و روس‌ها را در دست اجرا داشت، تلاش می‌کرد تا مجرای دموکرات‌ها را که در کابینه و مجلس نفوذ فوق العاده‌ای داشتند، دولت ایران را در کنار آلمان بر علیه روسیه و انگلیس وارد جنگ نمایند. همراهی دولت مردان ایرانی به خصوص حزب دموکرات با نیروی آلمانی شایعاتی را بر زبانها جاری ساخت که عوامل ایرانی با کمک سفارت آلمان در تهران قصد انجام کودتا دارند تا بدان وسیله ایران را به حمایت از آلمان وارد جنگ کنند. حضور دو هزار نفر از نیروهای

ژاندارمری در تهران تحت فرماندهی افسران سوئدی و تشکیل نیروهای مسلحی از مجاهدین با کمک سفارت آلمان به این شایعه قوت بیشتری می بخشید دولت روسیه برای جلوگیری از وقوع کودتای احتمالی دستور داد تا ژنرال باراتف در راس یک ستون نظامی از جبهه قفقاز عازم ایران شوند و تهران را به اشغال خود در آورند. این ستون نظامی در اواخر اکتبر 1915 وارد بندر انزلی شد و دسته‌ای از آن تا کرج پیش آمد، با نزدیک شدن نیروی نظامی روسیه به سمت تهران وضع پایتخت بهم ریخت، دولت و دربار درصدد مهاجرت و تغییر پایتخت برآمدند و عده‌ی زیادی از مقامات دولتی و نمایندگان، مجلس را ترک کرده و در قم به تشکیل کمیته دفاع ملی مبادرت کرده و زیر نظر پرنس رویس سفیر آلمان به فعالیت پرداختند. (ذوقی، 1372، 14)

با نزدیک شدن قوای روسیه به قم کمیته دفاع ملی عازم کاشان و اصفهان شده و از آنجا به کرمانشاه رفتند و با تشکیل دولتی موقت به ریاست نظام السلطنه مافی فعالیت خود را دنبال کردند. ترتیب خروج شاه، دربار و تغییر پایتخت از تهران به قم و از آنجا به اصفهان هم داده شده بود ولی مقامات روس و انگلیس احمد شاه را با تهدید به برکناری در صورت خروج از تهران مجبور به اقامت در تهران کرد. سپاهیان روسی پس از ورود به ایران به سوی شهرهای همدان، تهران و قم به حرکت درآمدند. قم، اصفهان، کاشان توسط قوای روسی اشغال و از عناصر آلمانی و هواداران آن پاک سازی شد و کمیته دفاع ملی که در کرمانشاه مستقر شده بود عقب رانده شد و اعضای آن ناگزیر به خاک ترکیه پناهنده شدند دولت مستوفی الممالک

استعفا داد و شاهزاده فرمانفرما که معروف به هواخواهی از انگلیسی‌ها بود مامور تشکیل کابینه جدید گردید. (ذوقی، 1372، 14)

علاوه بر فعالیتهای دیپلماتیک که توسط نمایندگان سیاسی آلمان برای وارد کردن ایران به جنگ به عمل می‌آمد، ستاد ارتش آلمان هم طرحهایی برای تحریک ایران و ورود به جنگ در طرفداری از آلمان در دست اجرا داشت. دسته‌های مختلفی از آلمانی‌های دوره دیده به تدریج برای انجام مأموریت‌های گوناگون وارد ایران می‌شدند، اسکارفن یندرمایر با همراهان خود از طریق شمال غرب ایران وارد افغانستان شد تا امیر حبیب الله خان پادشاه افغانستان را تشویق به ورود در جنگ بر علیه انگلستان نماید. (مایر، 1363)

خبر ورود هیئت آلمانی به افغانستان نگرانی شدیدی در محافل سیاسی نظامی انگلستان و روسیه به وجود آورد و دو کشور برای جلوگیری از هر نوع اتفاق ناگوار اقدام به ایجاد یک نیروی گشتی به نام حلقه‌ی خاوری ایران نمودند تا از نفوذ عمال آلمانی به درون افغانستان و هندوستان جلوگیری به عمل آورده و منطقه را هم در مرزهای ایران، هندوستان و افغانستان حفظ نمایند. (ذوقی، 1372، 16)

مهمترین عامل آلمان واسموس به علت روابط بسیار نزدیک و صمیمی که با سران عشایر و قبایل جنوب در طول مأموریت خود در بوشهر به دست آورده بود، همراه با گروهی از آلمانی‌ها عازم صفحات جنوب ایران گردید. واسموس موفق شد، قبایل تنگستان و دشتستان و قشقای‌ها را متحد کرده و صدمات سختی به انگلیسی‌ها در جنوب ایران وارد کند. اقدامات و فعالیتهای واسموس برای انگلیسیها گران تمام شد،

سرکلارمونت اسکراین سر کنسول انگلیس در مشهد می‌نویسد: «واسموس توانست عشایر نیرومند قشقایی و ژاندارمری سوئدی شیراز را تحت تأثیر قرار دهد و به این وسیله یکی از فلاکت بارترین ضربه‌ها را بر حیثیت انگلستان در سراسر تاریخ جنگ در ایران وارد آورد. (اسکرین، 1363، 27)

انگلیسی‌ها برای مقابله با فعالیت‌های واسموس و به جهت حفظ امنیت مناطق نفتی و حراست از آن ناگزیر به اعزام نیرو به جنوب ایران شدند. جنگ در بین جبهه‌ها و زد خورد بین آنها به شدت ادامه داشت و اوضاع داخلی ایران و سر رشته امور به طور کامل از دست دولتمردان ایرانی گسیخته بود، کابینه‌ها و دولت‌ها یکی پس از دیگری بر سر کار آمده و پس از اندک تلاشی نافرجام جای خود را به دیگری می‌دادند. در این میان پس از جنگ‌های اواج و سلطان بلاغ عثمانی‌ها بی آنکه شکستی خورده باشند، عقب نشستند و کم‌کم همدان را به قصد کرمانشاه ترک گفتند این کار به جهت پیشروی سپاه ژنرال استانلی مد انگلیسی در بین‌النهرین و به انگیزه فرستادن نیروی کمکی به جبهه مشترک متحدین انجام گرفت. (پورآرین، 1391، 447)

شکست‌های پی در پی متحدین و عقب نشینی آنها به سمت شمال آن سرزمین کار سپاه علی احسان پاشا را در ایران سخت گردانید، اینان ناگزیر شدند که شتابزده عقب نشینی کنند و شهرهایی را که گرفته بودند یکایکرها سازند. از آن سوی سپاه باراتف نیز از این فرصت بهره جست و با همه ناتوانی به جنگ و پیشروی برخاست.



بدین ترتیب تا پایان مارس 1917 عثمانی‌ها از همه شهرهایی که گرفته بودند، پس نشستند و گام به گام از خاک ایران بیرون رفتند. (مابری، 1369، 249)

درست هنگامی که روسها و انگلیسها در غرب ایران به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته بودند، حکومت تزار روسیه دچار تزلزل گشت که در پی آن تزار ناچار به کناره‌گیری شد و در 17 مارس 1917 نظام روسیه جمهوری شد و خاندان رومانف برای همیشه از حکومت برکنار گردید. (گزاویه، 1369، 30-56)

هر چند انقلاب مارس روسیه به دلیل ادامه جنگ با آلمان و اتحاد با متفقین از نظر سیاسی اثر مستقیمی بر ایران نداشت، ولی با خشنودی مردم و آسودگی دولت از فشارهای چندین ساله حکومت تزارها و نیز باعث سستی و فروپاشی انضباط قشون روس گردید. حمله‌های قدرتمند ماه ژوئیه قشون روس در اروپا و نیز روی کار آمدن حکومت موقت کرونسکی در روسیه و انتصاب بروسیلف به فرماندهی کل نیروهای نظامی آن کشور اوضاع سیاسی تهران را تا اندازه‌ای به سود متفقین گردانید؛ ولی چون حمله مزبور به شکست انجامید و همچنین حکومت موقت کرونسکی با دشمنی‌های سخت بلشویک‌ها روبه رو گشت از این رو بار دیگر نیروهای روسی مستقر در ایران سست شدند و از جبهه کرمانشاه عقب نشستند. (پالمر، 1357، 2/ 411-12)

در دهه‌ی نخست ماه نوامبر 1917 بلشویک‌ها به رهبری لنین یا شعار صلح فوری با متحدین و شناسایی سوویت‌ها (شورای انقلابی) به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری کشور به جای حکومت موقت سررشته کارها را به دست گرفت. آنان پس از

به دست گرفتن قدرت بی‌درنگ در یک پیام رادیویی به جهانیان خواستار آتش بس فوری به عنوان صدمه‌ای بر گفتگوهای صلح آمیز شدند و برای استواری جایگاه نوین خود ضمن برآوردن خواسته‌های دوستان آلمانی خود شالوده کار را بر نابودی کارآیی نیروی نظامی روسیه نهادند. (مابرلی، 1369، 326)

هر چند با وجود دگرگونی‌های روسیه جبهه جنگ تا یک سال دیگر ادامه داشت و سرانجام با شکست نیروی متحدین پایان یافت. حال با شرح کوتاهی که از جنگ گفتیم، در پی اثرات این جنگ خانمان سوز بر دولت و ملت ایران می‌پردازیم:

#### پیامدهای جنگ جهانی اول در ایران

جنگ جهانی اول در زمانی آغاز شد که ایران از جوانب گوناگون اوضاعی آشفته، نابسامان و متزلزل داشت که این نمونه را می‌توان در نطق احمد شاه هنگام باز گشایی مجلس سوم دید او به خطر گسترش جنگ به ایران و نابسامانی مالیه، ناامنی گسترده، کمبود و نقض در قوانین، کندی دادرسی‌ها و... اشاره کرد و از نمایندگان چاره جویی خواست. (جلال مدنی، 1361، 2، 273)

مجلس با اکثریت نمایندگان دموکرات به جای توجه به مسایل داخلی به موافقان و مخالفان متفقین تقسیم شدند. بدین شکل مجلس وضعی شبه به دولت پیدا کرد که نه توانایی حل مشکل کشور را داشت و نه نمایندگان حاضر بودند جای خود را به نماینده مردمی‌تر بسپارند و نیز مایل نبودند بر خلاف رضایت دول قدرتمند خارجی دست به عملی بزنند. روزنامه‌ها و نشریه‌ها هم به دو دسته شدند و به همراه دولت و مجلس فضایی از جدل در حمایت از دول خارجی پدید آوردند که در آن خواسته و

درد های مردم به فراموشی رفت. (جلال مدنی، 1361، 279-274) در سالهای جنگ موجی از قحطی فقر گرسنگی قتل غارت دامنگیر جامعه ایران شده بودند، بیماری‌های مسری به ویژه تیفوس در مناطقی که بیشتر در معرض تاخت و تاز نیروهای بیگانه بود بیداد می‌کرد. (میر احمدی، 1368، 72)

### قرارداد 1915 و 1907

در روز 31 اوت 1907 در شهر سنپترزبورگ قراردادی به امضا رسید که این قرارداد شامل 3 بخش ایران افغانستان و تبت بود. با این قرارداد تبت و افغانستان تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و ایران به دو منطقه نفوذ شمالی و جنوبی و یک منطقه حایل و بی طرف قرار گرفت. منطقه نفوذ روسیه در خطی از قصرشیرین آغاز می‌شد و از اصفهان یزد خواف تا مرز روسیه و افغانستان می‌رسید و منطقه تحت نفوذ انگلستان را خطی از ناحیه گزیک در مرز افغانستان شروع و با گذر از بیرجند و کرمان به بندر عباس ختم می‌شد بر اساس این قرارداد هر دو کشور متعهد شدند که در مناطق تحت نفوذ یکدیگر برای خود و اتباع شان هیچ گونه امتیازی را طلب و تحمیل نکنند و به مخالفت با امتیازات مورد درخواست دولتین در مناطق نفوذ خود برنیابند، در مورد منطقه بی طرف نیز متعهد شدند که بدون موافقت قبلی با یکدیگر با امتیازاتی که به هر یک از دول واگذار می‌شوند مخالفت نکنند؛ ولی این قرارداد با ضعف دولت و مجلس با پیشروی دولت آلمان در سال 1915 طی یک قرارداد سری دیگر منطقه بی طرف نیز تحت نفوذ دولتین درآمد و به علاوه حوزه‌ی عملیاتی نیروهای انگلیسی یعنی همان پلیس جنوب و روسی (نیرویی قزاق)

گسترش یافت و مخارج آن را بر دولت ایران تحمیل کردند و کنترل امور مالیه ایران به کمیسیون مختلط سپرده شد. بدین سان استقلال دولت ایران عملاً از بین رفت. خلاصه اینکه، وضع ایران در جنگ جهانی اول آشفته بود. جنوب، شمال و غرب کشور، صحنه تاخت و تاز انگلیس، روسیه و عثمانی بود. ارتش ایران تحت کنترل افسران سوئدی (ژاندارمری)، انگلیسی (پلیس جنوب) و روسی (قزاق‌ها) قرار داشت و آنها بیشتر میل به تأمین منافع اجانب داشتند. کابینه‌ها مرتب تغییر می‌کرد و کنترل آن در دست اشراف بود. با روی کارآمدن فرمانفرما، عملاً بی‌طرفی ایران کنار گذاشته شد و نیروی ژاندارمری از دست افسران سوئدی که متهم به هواداری از آلمان بودند، خارج و به پلیس جنوب واگذار گردید. تأسیس کمیته مجازات در این شرایط، دور از انتظار نبود. کمیته مجازات محصول کار کسانی بود که ادعای وطن دوستی می‌کردند و هدف خود را مجازات خائنین به کشور اعلام کردند، که البته پس از ترور سردبیر روزنامه عصر جدید و رئیس کل غله کشور، اعضای اصلی آن (منشی‌زاده، ابوالفتح‌زاده و مشکوه‌الملک) شناسایی و دستگیر شدند. (پورآرین، 1385، 449)

با شکست قوای محور در جبهه‌های غربی و پایان جنگ نمایندگان کشورهای متفق و همچنین شورهای که به نوعی درگیر جنگ بودند، در ورسای گرد آمدند تا به حل و فصل امور مربوط به صلح برسند. نمایندگان بیش از سی کشور در این کنفرانس شرکت کردند. ایران تصمیم گرفت در این کنفرانس شرکت نماید و خسارات وارده در جنگ را مطالبه کند. مشاورالممالک انصاری، وزیر امور خارجه به همراه هیأتی مرکب از ذکاءالملک فروغی رئیس دیوان عالی، عازم پاریس شدند اما

از شرکت هیأت ایرانی به بهانه بی‌طرفی ایران در جنگ، ممانعت به عمل آمد. هیأت ایرانی بدون پافشاری و تنها با انتشار خواسته‌های ایران و اعلام آن به دول شرکت کننده در کنفرانس، به ایران بازگشت. خواسته‌های ایران عبارت بود از: الغای فوری قرارداد 1907، برجیده شدن گارد سفارتخانه‌ها و کنسول‌گریهای خارجی در ایران، استرداد کلیه سرزمین‌های به زور گرفته شده از ایران، جبران خسارت اقتصادی ناشی از جنگ جهانی بر ایران، لغو کاپیتولاسیون و تعطیل شدن محاکم کارگذاری مربوط به رسیدگی به امور خارجیان. (مابرلی، 1369، 573-578)

دلیل اصلی مخالفت انگلیسی‌ها از شرکت ایران در کنفرانس صلح، مذاکرات محرمانه‌ای بود که بین دولت وثوق‌الدوله و سرپرستی کاکس به نمایندگی از انگلیس در جریان بود. وثوق‌الدوله با اعزام هیأتی برای شرکت در کنفرانس صلح، درصدد فریب مردم ایران بود. اگر او به منافع ایران می‌اندیشید به تقاضای روس‌ها برای بازپس دادن مناطق متصرفی ایران، پاسخ منفی نمی‌داد و مقدمات یک قرارداد ننگین که به وابستگی رسمی ایران به انگلیس می‌انجامید را تدارک نمی‌دید. بیش از این، از او که غلام حلقه به گوش انگلیسی‌ها بود و با کمک آنان به کرسی نخست وزیری دست یافته بود، انتظار نمی‌رفت. (مابرلی، 1369، 573-578)

### قرارداد 1919

پس از جنگ جهانی اول انگلیس پیروز میدان جنگ، در ایران یکه تاز شد برخی از دولت‌مردان و دیپلماتهای انگلیس با عنایت به ضعف دولت مرکزی ایران و خطر

بروز و شیوع هرج و مرج سراسری در ایران و هموار شدن راه نفوذ و چیرگی بلشویسم اندیشه تحت قیومیت درآوردن ایران را در سر می‌پروراندند از نظر آنان ایران توانایی لازم برای اداره امور مالی و اداری و نظامی‌اش را نداشت و می‌بایست تحت قیومیت یک دولت دیگر و ترجیحاً انگلیس اداره می‌شد؛ در غیر این صورت هم هندوستان به خطر می‌افتاد و هم منافع انگلیس در ایران و منطقه خلیج فارس، انگلیسی‌ها حتی در این خیال بودند که اگر طرح قیومیت خودشان بر ایران را در شورای متفقین در کنگره صلح ورسای با مخالفت روبه رو شود، پیشنهاد قیومیت بلژیک و یا نروژ را در میان آورد تا از آن راه به طور غیر مستقیم نظام اداری و مالی و ارتش ایران را زیر نظر و سلطه خود درآورد، پس از اینکه انگلیسی‌ها از امکان تحت قیومیت درآوردن ایران مستقیم یا غیرمستقیم ناامید شدند، به فکر انعقاد قرارداد 1919 افتاد که در واقع همان هدف را محقق می‌کرد. این قرارداد پس از زمینه‌سازی‌ها و مذاکرات مقدماتی سرانجام در تاریخ 19 اوت 1919 در دولت وثوق الدوله و به دست وزیر خارجه او نصرت الدوله فیروز به امضا رسید. این قرارداد در 6 ماده با یک مقدمه و 3 ماده پیوست تنظیم شده بود، در ماده نخست دولت انگلیس تعهدات خود را در احترام به استقلال و تمامیت ایران اعلام می‌کرد، ماده دوم مربوط به استخدام مستشاران انگلیسی از سوی دولت ایران، ماده سوم به تشکیل قشون متحدالشکل زیر نظر مستشاران نظامی انگلیس اشاره داشت، ماده چهارم موافقت دولت انگلیس را برای پرداخت وام به دولت ایران و ماده پنجم به اعلام حمایت دولت انگلیس از برنامه توسعه شبکه حمل و نقل و به ویژه راه آهن در ایران می‌شد و ماده ششم به شکل کمیسیون مشترک از کارشناسان دو طرف برای رسیدگی به

امور گمرکی و تجدیدنظر در تعرفه‌ها اشاره می‌کرد. با این قرارداد ایران عملاً تحت الحمایه انگلیس قرار می‌گرفت اما با مخالفت‌های داخلی و خارجی این قرارداد نیز به سرانجام نرسید و انگلیسی‌ها از این زمان به بعد که از تصویب و اجرای قرارداد ناامید شدند، به فکر دنبال کردن و تحقق اهداف آن از راهی دیگر برآمدند و کودتای 3 اسفند 1299ش را محصول این تغییر روش بود (رحمانیان، 1391، 22-26).

### ایران و جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم نیز در اول سپتامبر 1939 دهم شهریور 1318 با حمله آلمان به لهستان آغاز شد و در اندک مدت آن سرزمین را تصرف و ضمیمه خاک خود گردانید. شوروی نیز از این فرصت بهره جست و لهستان که همسایه‌اش بود را ضمیمه خاک خود اعلام کرد. شوروی همچنین کشورهای منطقه بالتیک را به شناسایی تقسیم لهستان و عقد قراردادهای دوستی با آلمان و پیمان عدم تجاوز و داشت، اما انگلیس و فرانسه زیر بار این تحولات نرفت و در سوم سپتامبر رسماً علیه آلمان وارد جنگ شدند. جبهه متحدین و متفقین در این جنگ نیز به جز تغییر چند کشور کما فی السابق باقی ماند. این جنگ نیز نزدیک به 6 سال تداوم یافت. در هر دو جنگ ایران اعلام بی‌طرفی کرد، ولی دولتهای دیگر درگیر جنگ از توانایی خود استفاده کرده و برای دستیابی به منافع خود بی‌طرفی ایران را نقض کردند، دولتهای روسیه و انگلیس به دلیل مناسبات رو به گسترش رضا شاه با آلمان هیتلری چند بار به وی هشدار دادند. در این هنگام اخبار و گزارشهای دریافتی از جبهه جنگ حاکی

از پیشرفت روز افزون آلمانی‌ها و شکست و عقب نشینی نیروی متفقین بود. رضاشاه که پیش‌بینی می‌کرد، پیروزی از آن متحدین باشد، برای درآمدن در حلقه‌ی متحدان پیروز در جنگ بی‌طرفی ایران را اعلام کرد؛ در حالی که در اوج جنگ آلمانی‌های مقیم ایران و دیپلمات‌های عضو حزب نازی به فعالیت‌های سیاسی خود در سراسر ایران شدت بخشیدند. فعالیت‌های جاسوسان آلمانی در ایران برای انگلستان که خواستار امنیت مرزهای ایران و هندوستان و علاقه‌مند به تأمین منابع نفتی خود در جنوب ایران بود و همچنین برای روسها که خواستار آرامش در مرزهای جنوبی خود بودند، خطری جدی محسوب می‌شد، از طرفی به دستور رضا خان یک کابینه جوان به نخست‌وزیری متین‌دفتری روی کارآمد که هدف آن نزدیک شدن به آلمانها بود و عملاً روابط تجاری صنعتی بین ایران و آلمان گسترش یافت. دولت‌های روسیه و انگلستان طی دستور مشترکی به رضا شاه از وی خواستند تا سریعاً نسبت به اخراج مستشاران آلمانی از ایران اقدام کند. (رحمانیان، 1391، 340) این تصمیم از سوی سفیر انگلیس و سفیر روسیه اتخاذ شده و در ملاقاتی با رضا شاه به وی ابلاغ شد که رضا شاه نیز که تصور پیروزی آلمان را در جنگ داشت، در پاسخ سفیران انگلیس و شوروی اعلام کرد که ایران کشور بی‌طرف است و فعالیت آلمانی‌ها در ایران هم محدود به کارهای ساختمانی و امور بازرگانی است. در جمع بندی حوادث جنگ چنین پیدا بود که هیتلر می‌بایست 2 اشتهاب بزرگ مرتکب شود تا دنیا نجات پیدا کند، نخست که به شوروی حمله برد و دیگر آنکه بهانه‌ای برای ورود امریکا به جنگ به دست روزولت دهد، در نخستین روز تابستان 1320 هیتلر اولین اقدام اشتهاب را انجام داد و آن حمله به شوروی بود که نتیجه آن از هم گسیختگی اتحاد



شوروی و آلمان بود و به جایش اتحاد انگلیس و شوروی بسته شد. از فردای حمله نیروهای آلمانی به خاک شوروی طرح آماده ستاد مشترک نیروهای مسلح انگلستان به جریان افتاد در این طرح که برای روزولت و استالین ارسال شد. سه راه برای کمک رساندن به شوروی پیشنهاد شده بود، انگلستان از میان آن سه راه یکی را که عبور از ایران و استفاده از راه آهن سراسری بود، ترجیح داد. واشنگتن و مسکو فوراً موافقت خود را با راه پیشنهادی چرچیل اعلام داشتند، هشدارهای پی‌درپی و هماهنگ سفارت خانه‌های شوروی و انگلستان در تهران درباره‌ی جاسوسان و افراد ستون پنجم آلمان در ایران به منزله‌ی مقدمات دیپلماتیک اشغال ایران بود، یورش برنامه‌ریزی شده از شمال و شرق و جنوب از ساعت‌های نخست بامداد شروع شد و با فرود آمدن نخستین بمب‌ها در مشهد و رشت و شمال آذربایجان ارتش شاهنشاهی از هم پاشید. در جنوب پس از غرق شدن تنها دو کشتی جنگی رژیم، مقاومتها پایان یافت و بدین گونه باری دیگر ایران در اشغال بیگانگان درآمد. (مدنی، 1361، 2/357)

### دلایل اشغال ایران

در شهریور 1320 ایران به اشغال نیروی نظامی دولتهای متفق در جنگ جهانی دوم درآمد، درباره‌ی انگیزه واقعی اشغال ایران نقطه نظرات متعدد و گوناگونی ذکر شده است، ولی آنچه مسلم است اشغال نظامی ایران متأثر از مجموعه دلایلی است که ریشه در منافع استراتژیک 3 کشور انگلستان، شوروی و آمریکا به عنوان متفقین داشته است که مجموعه این منافع را می‌توان اینگونه برشمرد:

## الف) موقعیت جغرافیایی ایران

ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که دارد و به عنوان کشوری که خاورمیانه و اروپا را به آسیا متصل می‌کند مورد توجه بسیار قرار گرفته؛ انگلستان هم که در طول قرن‌ها مستعمره‌های گرانبهای همچون هند و مصر در آسیا داشت که به نوعی «سمبل سلطه انگلستان در حوزه‌ی شرقی به حساب می‌آمد»، در روابط خارجی خود با ایران به منظور دفاع از سلطه خود در این کشورها استفاده کرد و تأمین امنیت مرزهای غربی هندوستان در مقابل هر گونه تعرض‌های خارجی برای انگلستان امری حیاتی محسوب می‌شد و ایران بدین ترتیب برای انگلستان کمر بند دفاعی مهمی را از شمال افریقا تا بلوچستان خلیج فارس تشکیل می‌داد. (ازغندی، 1379، 64-65)

دولت آلمان در بحبوحه‌ی جنگ جهانی اول هیاتی را تحت فرماندهی ماژور «اسکارفن نیدر مایر» از راه ایران به افغانستان فرستاد، وظیفه اصلی و عمده این هیات نظامی که مجهز به مدرنترین تجهیزات نظامی بود راضی کردن سیاستمداران افغانی به جنگ با انگلستان در منطقه هند بود. این هیات وظیفه مهم دیگری نیز داشت، این بود که در اطراف مرزهای افغانستان و ایران و نیز در مرزهای افغانستان و هندوستان درگیری و اغتشاش به وجود آورند و مردم را به قیام علیه سلطه انگلستان تحریک نمایند. انگلستان در سالهای بین دو جنگ جهانی سیاست امنیتی خود را در مقابل هندوستان و در جهت تأمین منافع خود در این کشور تغییر نداد. تأمین دفاع از منافع انگلستان در حوزه خاورمیانه و خاور دور و شبه جزیره هند کما

فی السابق به مثابه یکی از مسایل اساسی و استراتژیک انگلستان محسوب می‌شد، ولی از اوایل 1320 که احتمال خطر درگیری نظامی انگلستان با آلمان در منطقه خاورمیانه و هند شدت گرفت، توجه سیاستمداران و فرماندهان نظامی انگلیسی بیش از پیش به این منطقه معطوف شد. نگرانی انگلستان بدین خاطر بود که مبادا آلمانیها از خاک ایران و افغانستان همانند سالهای جنگ جهانی اول جهت عبور قشون خود به سوی هند استفاده کنند. (ازغندی، 1379، 65)

به هر حال نقشه آلمانیها جهت اشغال ایران و افغانستان از نظر رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی انگلستان به دور نماند، بلافاصله پس از حمله آلمانها به شوروی کابینه جنگ انگلستان سرگرم راهی بود که بتواند به طور مؤثر در صورت حمله احتمالی آلمانها به ایران و هند از منافع خود در این منطقه دفاع کند. به عقیده انگلیسی‌ها اخراج جاسوسان آلمانی از ایران و افغانستان به عنوان اولین عمل پیشگیرانه کاملاً ضروری بود. در تاریخ 26 تیر 1320 ژنرال «ویول» فرمانده نیروهای انگلیسی تلگرافی به لندن مخابره کرد، در این تلگراف آمده بود که برای دفاع از هند کاملاً ضروری است که آلمانیها هرچه زودتر از ایران اخراج شوند. (ازغندی، 1379، 65)

بنابراین چون رژیم ایران حاضر نبود به خواسته‌های انگلستان در رابطه اخراج آلمانی‌ها و خاتمه دادن به سیاست‌های بی‌طرفی خود که در عمل به نفع دول محور بود تن در دهد، به زور به این کار وادار کردند. موقعیت جغرافیایی ایران به همان اندازه که برای انگلستان حائز اهمیت بود، برای شوروی نیز به خاطر منافع اقتصادی

مهم بود. به ویژه که تا زمان شروع جنگ جهانی دوم صادرات و واردات ایران از اروپا عمدتاً از طریق راههای اتحاد جماهیر شوروی انجام می‌گرفت همچنین زمام داران اتحاد شوروی با عنایت به موقعیت ایران درصدد بودند که بتوانند منابع زیرزمینی و امکانات گسترده تولیدی ایران به ویژه مناطق نفتی شمال را تحت کنترل خود در آورند. از طرف دیگر ایران در موقعیتی قرار گرفته بود که با توجه به داشتن راه شوسه و همچنین راه‌آهن مطلوب می‌توانست کوتاه‌ترین راهی باشد که شوروی را به هندوستان برساند. جدای از همه اینها شوروی برای اینکه بتواند به بازارهای جهانی دست پیدا کند، بالاجبار به راههای ایران و دستیابی به بنادر این کشور نیاز داشت که این موقعیت در جنگ جهانی برای آن فراهم شد. (ازغندی، 1379، 66)

در سال 1941 پس از حمله آلمان به شوروی ایران اهمیت سوق الجیشی بسزایی کسب کرد. این اهمیت نه تنها به خاطر دارا بودن خطوط ارتباطی مناسب برای ارسال کمک به شوروی، بلکه بیشتر به این خاطر بود که ایران به مثابه پلی، ارتباط ما را به هندوستان و سایر نقاط امپراطوری برقرار می‌ساخت. (الهی، 1361، 109)

### ب) اهمیت خطوط ارتباطی ایران و نقش آن در جنگ جهانی

ارتش آلمان در 22 ژوئن 1941 غیرمترقبه به خاک شوروی علیرغم تمام تسلیحاتی که داشت، در همان ماههای اول جنگ بخش وسیعی از مناطق و همچنین صنایع خود را از دست داد. در این هنگام بود که استالین دست کمک به سوی چرچیل دراز کرد و اینستون چرچیل که از موضعی واقع بینانه به موقعیت بین‌المللی کاملاً پی برده و به خوبی می‌دانست که شکست شوروی عملاً شکست انگلستان هم در اروپا و هم

مستعمراتش را در پی خواهد داشت. به این دلیل پیشنهاد استالین را قبول کرد، ولی چون در این هنگام خود انگلستان زیر آتش نیروهای آلمانی قرار داشت، نمی-توانست به تنهایی امکاناتی را که استالین تقاضا کرد را به او برساند دست به سوی روزولت دراز کرد. روزولت هم در 10 ژوئیه 1941 آمادگی دولت متبوع خود را جهت کمک به شوروی در جنگ با آلمان اعلام کرد و در پی آن، نشست مسکو برای پیدا کردن راهی مناسب جهت ارسال کمک به شوروی در سریع‌ترین زمان ممکن تشکیل شد. در این نشست 5 محور اصلی شناخته شد، در میان آنها ایران دارای امتیازات و مزایای ویژه بود که سایر راهها فاقد این امتیازات بودند. راه ایران چه از لحاظ مسافت و چه از نظر امنیت نسبت به سایر خطوط کوتاه‌ترین و امن‌ترین بود. استفاده از راههای ایران هم چنین در هر چهار فصل امکان پذیر بود، ضمن اینکه به خاطر دور بودن ایران و خاور دور از فرودگاههای پرواز هواپیماهای آلمانی متفقین می‌توانستند با خاطری آسوده تجهیزات نظامی خود را به روسها در مرزهای شمالی ایران برسانند. در هر حال دشوارهای که حمل تجهیزات و تدارک نظامی به اتحاد شوروی از طریق راههای بوسفور، ارخانگلست و مورمانسگ وجود داشت و دارا بودن مزیت‌ها و امکانات مناسبتر راه آهن و راه شوسه خلیج فارس به شوروی باعث شدند، ایران و استفاده از راههای آن مورد توجه متفقین قرار گیرد. (ازغندی، 1379، 68)

هدف اصلی متفقین در اشغال ایران آن بود که نگذارند کشور (و منطقه) به دست نیروهای داخلی و خارجی هوادار آلمان بیفتد. در ضمن حالا دیگر جریان نفت از

ایران به انگلستان بی هیچ مشکلی ادامه می‌یافت و ارسال محموله‌های حیاتی برای شوروی و عمدتاً از طریق راه‌آهن سراسری امکان‌پذیر می‌شد. (کاتوزیان، 1379، 92)

### ج) ضرورت تأمین امنیت حوزه‌های نفتی

نفت ایران و در کل خاورمیانه نقش مهم و اساسی در به راه انداختن ماشین جنگی و همچنین اقتصاد و سیاست دولت انگلستان را ایفا می‌کرد که بدون در اختیار داشتن این منابع نفتی حفظ موقعیت و منافع اقتصادی و استراتژیک انگلستان در این نواحی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ امکان‌پذیر نبوده است. اهمیت نفت برای توسعه صنایع انگلستان و تأمین سوخت ماشین جنگی این کشور در دهه 30 روبه افزایش بود، درگیر شدن دولت انگلستان در جنگ آلمان به اهمیت چاههای نفت باز هم افزود؛ زیرا که نیروهای نظامی متفقین که در خاورمیانه و خاور نزدیک مستقر بودند، متکی به نفت ایران و عراق بودند در صورتی که دولت‌های محور موفق به تصرف این مناطق می‌شد عملاً شاهرگ دولت‌های متفق قطع می‌شد از طرفی هم تجهیزات نظامی که انگلیس و آمریکا ارسال می‌کردند از طریق ایران بود که بدون در اختیار داشتن منابع نفتی جهت تأمین سوخت وسایل حمل‌ونقل غیرممکن بود، در صورتی که نفت ایران از کنترل انگلیس خارج می‌شد آغاز و یا ادامه عملیات نظامی علیه نیروی آلمان در خاورمیانه برای ارتش انگلستان تقریباً غیر ممکن بود. (کاتوزیان، 1379، 72)

### د) دست‌یابی به بازارهای ایران

از اواسط دهه 1930 به بعد به موازات گسترش روابط مالی و اقتصادی ایران با آلمان شوروی و انگلیس به تدریج بازارهای خود را در ایران از دست دادند، در حجم مبادلات بازرگانی کشورها با ایران نیز روز به روز رو به کاهش گذاشت. صادرات ایران به انگلستان و مستعمراتش در شبه جزیره هند عمدتاً شامل تولیدات نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس و پشم و پوست و خشکبار می‌شد جمع کل واردات ایران از انگلستان و هندوستان در سال 1312 (1933) یعنی در سال به قدرت رسیدن هیتلر معادل 142 میلیون ریال بوده است، در حالیکه در سال 1320 (1940) این رقم به بیش از نصف یعنی به 112 میلیون ریال کاهش می‌یابد. (ازغندی، 1379، 77)

اقتصاد و بازرگانی ایران در نیمه اول دهه 1930 کاملاً به اتحاد شوروی وابسته بود، اتحاد جماهیر شوروی بین سالهای 1316 - 1312 (1937-1933م) مقام اول را در تجارت خارجی ایران به خود اختصاص داده بود. سهم شوروی در بازرگانی خارجی ایران از 22 درصد در سال 1312 (1933م) به 36 درصد در سال 1315 (1936م) افزایش یافت؛ ولی در سال 1317 (1938م) که ایران حاضر به تمدید قرارداد بازرگانی 1314 (1935) با شوروی نگردید، سهم اتحاد شوروی در تجارت خارجی ایران به 11/50 درصد و در سال 1318 (1939م) به 5 درصد کاهش یافت. (ازغندی، 1379، 77)

در این بین هر چه صادرات و واردات دولتهای شوروی و انگلیس رو به کاهش بود. روابط بازرگانی ایران با آلمان در زمینه‌های مختلف مخصوصاً صنعتی و نظامی رشد فزاینده‌ای پیدا کرد. در سال 1318 (1939م) سهم آلمان در کل تجارت خارجی ایران 9 درصد بود. این رقم در سال 1318 (1939م) به 39 درصد و در سال 1319 (1940م) به 45/5 درصد افزایش یافت. آلمان در سال 1319 (1940م) مقام اول در تجارت خارجی ایران را دارا بود و شوروی را با 11 درصد به مقام سوم و انگلستان را با 17 درصد به مقام دوم عقب راند. (ازغندی، 1379، 78)

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که علیرغم تمامی تلاشهای دولتهای انگلیس و شوروی برای جلوگیری از نفوذ اقتصادی و سیاسی آلمان در ایران سیاست بازرگانی خارجی آلمان به قدری موفقیت آمیز بوده است که تمامی کوشش‌های دولتهای متفق را با شکست مواجهه کرد؛ به طوری که مجبور شدند در سه سال قبل از جنگ و دو سال اول جنگ یعنی تا زمان اشغال نظامی ایران صدمات و ضررهای زیادی را در بازار ایران متحمل شوند تا این که اشغال ایران به این وضع پایان داد.

### آثار و پیامدهای اشغال ایران در طی دو جنگ جهانی اول و دوم

اشغال ایران به دنبال دو جنگ جهانی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای با خود به همراه داشت؛ اشغال ایران موجب گسیختن ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد. هجوم ارتش‌های متفقین به خاک ایران، ناامنی و نگرانی گسترده‌ای را به وجود آورد. در این دوران، مردم ایران روزگار



بسیار تلخی را تجربه کردند، حضور نیروهای خارجی، کمبود ارزاق، ناامنی و قحطی، بخش کوچکی از این غم بزرگ بود. (جلال پور، 1391، ص 154-167)

### الف) شیوع قحطی، گرانی و تورم سرسام آور

همه پانزده میلیون جمعیت ایران در جنگ دوم جهانی با مشکلات عظیمی روبرو بودند. ایران صحنه مداخله نیروهای متفقین و خط تدارکاتی آذوقه و مهمات به شوروی شد. متفقین قول داده بودند تا حد امکان برای مردم ایران مشکلی به وجود نیاورند؛ اما بخش‌های کلیدی اقتصاد مانند کشاورزی و صنعت خدمات، بازرگانی خارجی، بودجه دولت و سطح زندگی مردم بر اثر اشغال شدیداً آسیب دید. (بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1320، 125-620) کاهش تولید محصولات غذایی از یک سو و تقاضای ارتش‌های اشغالگر خارجی برای مواد غذایی از سوی دیگر به قحطی شدیدی در اکثر مناطق ایران به خصوص آذربایجان و سواحل دریای خزر منتهی شد. (فوران، 1377، 39)

### ب) نبود امکانات بهداشتی و وجود بیماری

کمبود آذوقه تنها یکی از مشکلات مردم ایران در زمان اشغال بود. این مسئله موجب شده بود که مردم دچار ضعف بنیه شوند و بیماری سریع‌تر آنها را از بین ببرد. از سوی دیگر شیوع بیماری‌های مسری که سوغات متفقین برای مردم ایران بود، جان هزاران ایرانی را گرفت. در زمان جنگ عده زیادی از مردم لهستان که در خاک شوروی اقامت داشتند، به تهران انتقال یافتند و در بیرون دروازه دوشان تپه و در

بیمارستان ناتمام هزار تختخوابی جای گرفتند. سیر کردن شکم آنها نیز مشکل تازه‌ای برای دولت به وجود آورد. (عاقلی، 1370، 501-502)

### ج) شروع یکی از امواج مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ

در این سالها افراد بسیاری از روستاها به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند؛ زیرا روستاها دچار رکود شدید شده بودند. در این دوره به طور کلی حیات شهری نیز دچار رکود شده بود؛ ولی نسبت به روستاها، شهرها در وضعیت بهتری قرار داشتند. بر اثر جنگ جهانی، تجارت خارجی از رونق افتاد و سرمایه‌های تجاری به سمت سایر فعالیت‌ها پیش رفت با کاهش شدید میزان تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه کشاورزی از یک سو و ورود متفقین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن از سوی دیگر، رابطه سازمان یافته شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی - روستایی و یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد. (حسامیان و گیتی اعتماد، 1375، 43-46)

### پ) به وجود آمدن تغییرات محسوس در قشر بندی جامعه ایرانی

بازرگانان کوچک و متوسط در مجموع از وضعیت نابسامان اقتصاد آسیب دیدند؛ اما بازرگانان عمده در موقعیتی قرار داشتند که سود سرشار و بادآورده‌ای به چنگ آوردند. دلالت در جامعه بازرگانی ایران در مجموع به دلیل ایفای نقش واسطه‌گری میان بازارهای محلی و نیازهای زمان جنگ متفقین سود بردند؛ هر چند خط سیر بخش‌های اقتصادی کشور دستخوش نابسامانی و پریشانی بود. حاصل این همه

پیشانی وضع معیشتی و زندگانی طبقات متوسط و پایین شهری در خلال جنگ جهانی و تنزل سطح زندگی این طبقات بود. (فوران، 1377، 396)

### نتیجه گیری

جنگهای جهانی که یکی در سال 1918 - 1914م، و دیگری از 1945 تا 1935م، ادامه پیدا کرد رویدادی بود که سرنوشت تمام ملت‌ها را از مسیر اصلی خود عوض کرد؛ از آن جمله ایران بود که به خاطر داشتن موقعیت استراتژیکی و همچنین منابع سرشاری که تأمین کننده نیازهای کشورهای همپون انگلیس و شوروی بود، مورد تعرض قرار گرفت. ایران در این دوره همواره در معرض رقابت‌های بین المللی میان قدرت‌های بزرگ بوده است. وضعیت استراتژیکی ایران ایجاب می‌کرد تا چشم دولت‌های غربی به دنبال دست‌یابی به راه نفوذ در ایران باشد. مسئله‌ی نفت و دسترسی به هندوستان از جمله موارد مهم ایجاد اختلاف و چالش بین دولت‌های غربی بر سر ایران بود.

سال‌های جنگ جهانی اول و دوم از اهمیت خاصی در تاریخ ایران برخوردار است که به دنبال آن کشورهای استعمارگر با توجه به منافع و نیازهای خود پیامدهای منفی زیادی را بر جامعه ایران تحمیل کردند. از آن جمله می‌توان به اشغال ایران و نقض بی‌طرفی آن، تحمیل قراردادهای متفاوت از جمله 1907 و 1919م، روی کار آوردن دیکتاتوری همچون رضاخان و برکناری دوباره آن و جایگزین کردن پسرش تلاش برای تسلط بر نفت شمال ایران، به وجود آوردن قحطی و بیماریهای بسیار که

تمام اینها به خاطر زیادی خواهی‌های کشورهای استعمارگر بودند که در تلاش بودند تا با استفاده از موقعیت استراتژیک ایران استفاده کنند و به منافع خود برسند.

### منابع و مأخذ

- ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران، تهران، نشر قومس، 1379.
- اسناد سال 1320، بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی به شماره 620-125.
- اسکرین، سرکلارمونت، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیا، تهران، سرسلسله، 1363.
- الهی، همایون، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1361.
- پالمر، رابرت روزل، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیر کبیر، 1357.
- پور آرین، فواد، انقلاب فراموش شده تهران، چاپار، 1385.
- جلال پور، حسن، پیامدهای اشغال ایران در شهریور 1320، پژوهش در تاریخ، ش 9، زمستان 1391.
- حسامیان فرخ و اعتماد گیتی و حائری محمدرضا، شهرنشینداریان، تهران، آگاه 1375.

- رحمانیان، داریوش، ایران بین دو کودتا، سمت، 1391.
- زرگر علی اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، معین، 1372.
- ذوقی، ایرج، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، کیان، 1372.
- سپهر، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ، تهران، ادیب، 1362.
- عاقلی، باقر، نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار تهران، جاویدان، 1370.
- فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، 1377.
- کاتوزیان، همایون، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، 1379.
- گزاویه، فرانسواکوکن، انقلاب روسیه، ترجمه عباس آگاهی، انتشارات آستان قدس رضوی، 1369. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مابری، جیمز فردریک، عملیات در ایران، تهران، ترجمه کاوه بیات، موسسه خدمات فرهنگی رسا، 1369. تهران بین دو عالم انسانی
- مایر، اسکار نیدر، آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، نشر تاریخ ایران، 1363.

مدنی، جلال، تاریخ تحولات سیاسی و روابط ایران، تهران نشر دفتر انتشارات اسلامی، 1361.

میر احمدی، مریم، پژوهشی در تاریخ معاصر، مشهد، آستان قدس رضوی، 1368.

